

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ: ۱۳۹۸/۰۶/۰۱

موضوع: روش بحث و مناظره با اهل سنت و مدعیان دروغین یمانی

(سخنرانی در حوزه علمیه بیرجند "جلسه سوم")

فهرست مطالب این سخنرانی:

مسائل مهم مورد بحث، در باب فرقه «احمد بصری»

سه ادله مهم مدعیان دروغین یمانی موعود

اولین قدم در مناظره با مدعیان فرقه احمد بصری

اهانت و قیحانه «احمد بصری» به انبیاء عظام الهی!

اعجاز قانون «مقایسه»، در مناظرات علمی

روش زیبای حضرت ابراهیم در مناظره با مخالفین

ایجاد سؤال؛ راه ابتدایی ورود به مناظره با اهل سنت

طرح مثلث مقدس، برای هدایت مخالفین

سؤالی که اساتید وهابی دانشگاه مدینه را مبهوت کرد!

حدیثی سرنوشت ساز در «صحیح بخاری»!

یک سؤال ساده ی بی جواب از علما و بزرگان اهل سنت!

حدیثی که بزرگان اهل سنت را به زحمت فراوان انداخته است!

برخورد دوگانه بزرگان اهل سنت با حدیث ثقلین در تعداد نقل روایت از صحابه

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین و هو خیر ناصر و معین الحمد لله و الصلاة
على رسول الله و على آله آل الله لاسیما على مولانا بقية الله واللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى يوم لقاء الله،
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ.

خدا را بر تمام نعمت‌هایش بویژه نعمت ولایت سپاس می‌گوییم. در این جلسه در رابطه با سوالاتی که برای شما
مطرح است در خدمت دوستان هستیم. بعضی از دوستان اشاره داشتند که در رابطه با «احمد الحسن و یمانی»
چرا شما صحبت نکردید؟

جناب آقای «شریفی» در این حوزه الحمد لله تخصص لازم را دارند، و به اندازه کافی صحبت کردند؛ ولی چون
من معمولاً بحثم را با پاورپوینت ارائه می‌دهم، - زیرا تأثیر گذاری پاورپوینت در ارائه مطلب و انتقال مفهوم
خیلی راحت‌تر است تا بخواهد به صورت شفاهی باشد؛ - نکاتی را در این زمینه خدمت دوستان تقدیم می‌کنم.

مسائل مهم مورد بحث، در باب فرقه «احمد بصری»

در رابطه با «احمد بصری» چند تا مسئله داریم:

۱- بحث ادعاهای باطل این‌ها است؛

۲- ادله پوشالی شان است؛

۳- بحث اهانت به مقدسات است؛

۴- بحث اهانت به مراجع است؛

۵- بحث تکفیر مسلمانان است؛

۶- بحث اعترافات سخیف این‌ها است.

یعنی روی این این ۶ مسئله باید زوم کرد، از این شش مسئله ادعاهای باطل‌شان که مشخص است، چرا که می‌گوید من فرزند حضرت مهدی هستم، امام و حجت هستم! و ادعای نبوت دارد!!

سه ادله مهم مدعیان دروغین یمانی موعود

ادله‌ای هم که می‌آورد عمدتاً «خواب» و «استخاره» است و بحث «حدیث وصیت». من معتقدم با لیدرها و طلبه‌های فاضلی که جذب این‌ها شده‌اند، - نه طلبه‌های بی‌سواد شان - انسان بحث‌های علمی بکند خوب است.

اولین قدم در مناظره با مدعیان فرقه احمد بصری

ولی در آن‌جا هم من معتقدم ما بیاییم با این‌ها بحث‌های جدلی بکنیم، نه بحث‌های برهانی! بحث‌های مقایسه و بحث‌های هجمه‌ای بکنیم. یعنی ابتدا از این‌ها اعتراف بگیریم که آقا اگر کسی بیاید به پیغمبر توهین بکند بگوید مثلاً حضرت آدم (نستجیر بالله) به جهنم می‌رود، یا (نستجیر بالله) رسول اکرم دچار آتش عذاب خدا می‌شود، یا حضرت ابراهیم چنین و چنان است چه حکمی دارد؟

شما می‌دانید که روش خیلی مهم است، اول باید از این‌ها اعتراف بگیریم، پرسیم اگر کسی به پیغمبری توهین کند چه حکمی دارد؟

وقتی اعتراف گرفتیم بعد بیاییم یکی یکی اهانت‌های که این‌ها به حضرت ابراهیم (علی نبینا واله وعلیه السلام) داشته، انکار خاتمیت کرده، و یا اهانت به ائمه کرده را مطرح کنیم.

اهانت وقیحانه «احمد بصری» به انبیاء عظام الهی!

مثلاً یکی از اهانت‌هایی که ایشان دارد این است که می‌گوید حضرت ابراهیم نور ائمه را دید ولی نتوانست تشخیص بدهد!!

ابراهیمی که نمی‌تواند تشخیص بدهد آیا این نور، نور اهل‌بیت است یا نور خدای عالم است؟ آیا این به درد پیغمبری می‌خورد؟ این را در يك کفه قرار می‌دهیم و در يك کفه دیگر آیه قرآن که خطاب به حضرت رسول اکرم دارد:

(وَاتَّبِعْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا)

و پیرو آیین خالص و پاک ابراهیم گردد

سوره نساء (۴): آیه ۱۲۵

(فَاتَّبِعُوا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا)

از آیین ابراهیم پیروی کنید.

سوره آل عمران (۳): آیه ۹۵

همان‌طوری که من در جلسه صبح در رابطه با شیعه و سنی گفتم، يك طرف میز ادله شیعه را می‌چینیم، و در طرف دیگر میز ادله اهل سنت را می‌چینیم و بعد می‌گوییم قضاوت کنید.

در يك طرف تصویر ادعاهای این‌ها را می‌آوریم، و در طرف دیگر نظر قرآن و اهل‌بیت را می‌گذاریم، بعد می‌گوییم آقا شما خودتان قضاوت کنید. قرآن به مسلمان‌ها خطاب می‌کند:

«فَاتَّبِعُوا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا».

از میان يك صد و بیست چهار هزار پیغمبر فقط حضرت ابراهیم این شایستگی را دارد که شریعتش مورد تبعیت باشد، آن وقت این حضرت ابراهیم (نستجیر بالله) نمی تواند تشخیص بدهد این نور، نور امیرالمؤمنین است یا این خدا است! ایشان به چه درد می خورد؟ آیا ایشان می تواند ناجی باشد؟

بحث بعد حضرت یونس است. این جا دیگر وضعیت خیلی افتضاح است. وی در کتاب «متشابهات» به صراحت می گوید: "من حقیقت را آشکار می کنم که جسد او در بیابان، عریان و بی سرپناه و روحش در طبقات جهنم تا روز بر انگیزته شدن باقی ماند!"

آیا اگر کسی بیاید بگوید فلان پیغمبر گرفتار آتش شده است، اصلا ما کاری به شیعه و سنی نداریم، شما بروید از يك وهابی سوال کنید، از وهابی هم نه، بروید از یکی از خاخام های یهودی سوال کنید آقا اگر کسی بگوید يك پیغمبری گرفتار آتش جهنم است و تا قیامت می ماند، شما چه حکمی صادر می کنید؟ آیا این آقا مؤمن است یا کافر مرتد؟

شما می دانید ارتداد ملی و فطری در همه ادیان است. اگر این ارتداد، ارتداد فطری باشد، تازه توبه اش هم قبول نیست.

اگر ارتدادش، ارتداد ملی باشد؛ یعنی موقعی که متولد شده پدر و مادرش مسلمان نبوده خودش تحقیق کرده و به بلوغ رسیده مسلمان شده است، توبه این فرد قبول است ولی اگر چنانچه از پدر و مادر مسلمان به دنیا آمده و همچنین حرفی را بزند، توبه اش هم قبول نیست!!

شما ماده ۵۱۳ قانون مجازات های اسلامی مصوب مجلس شورای اسلامی سال ۱۳۹۷ و ماده ۲۶۲ قانون مجازات های اسلامی مصوب ۱۳۹۲ را ببینید، در هر دو ماده آمده است:

"کسی که کوچکترین اهانتی به يك پیغمبری بکند، حکمش اعدام است."

بحث در روایات و آیات هم همین حکم است، شما اگر بروید مراجعه فرمایید، خواهید دید که ارتداد فطری يك راه بیشتر ندارد، در زمان حیات خودش اموالش بین وراثش تقسیم می‌شود، زنش احتیاج به طلاق ندارد، بلکه خودبخود مطلقه می‌شود، و فقط عده نگهدارد و بعد می‌تواند برود ازدواج کند؛ حکم خودش هم قتل است. اگر ما این را ارتداد نگوییم، اصلاً در دنیا ارتداد مفهوم و معنا پیدا نمی‌کند.

اعجاز قانون «مقایسه»، در مناظرات علمی

در این طرف این آقا می‌گوید حضرت یونس به جهنم رفت. از آن طرف قرآن می‌گوید:

(وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْعَمِّ وَكَذَلِكَ نُنَجِّي الْمُؤْمِنِينَ)

و از آن اندوه نجاتش بخشیدیم؛ و این گونه مؤمنان را نجات می‌دهیم!

سوره انبیاء (۲۱): آیه ۸۸

اصلاً قضیه حضرت یونس سر مشق و الگو برای عموم مسلمان‌ها است که اگر يك کسی همچنین اشتباهی کرد و بعد استغفار کرد: **(كَذَلِكَ نُنَجِّي الْمُؤْمِنِينَ)**.

قرآن می‌گوید:

(وَأَرْسَلْنَاهُ إِلَى مِائَةِ أَلْفٍ أَوْ يَزِيدُونَ)

و او را به سوي جمعیت یکصد هزار نفري -یا بیشتر- فرستادیم!

سوره صافات (۳۷): آیه ۱۴۷

می‌فرماید ما او را به يك صد هزار نفر یا بیشتر مأموریت دادیم؛ ولی این آقا می‌گوید در جهنم رفته و در آن جا دارد عذاب می‌کشد، و با قارون همنشین شده است!!

ببینید اگر ما از این کانال وارد شویم، احساسات طرف مقابل را تحریک کنیم، شاید از صد تا دلیل و برهان تأثیرش بیشتر باشد.

شما بیاید ۵۰ ساعت در رابطه با حدیث وصیت، مهدیون و امثال این‌ها صحبت کنید و بعد ده دقیقه بیاید در مورد این‌طور تناقضات و جواب‌های نقضی و جدلی صحبت کنید خواهید دید که نتیجه کدام بهتر است.

این آیه قرآن:

(وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ)

با آنها به روشی که نیکوتر است، استدلال و مناظره کن!

سوره نحل (۱۶): آیه ۱۲۵

نمی‌خواهد بگوید شما برهان بیاور، برهان يك دنیای دیگر برای خودش دارد، کلمه «جدال» عمدتاً بحث‌های تناقضات طرف مقابل با کتاب، سنت، سیره و اعترافات که از خودش می‌گیرد را شامل می‌شود.

«احمدی بصری» مدعی است که من و تمام ائمه همگی مقام نبوت داریم! می‌گوید:

«أَنْ بِالْأئِمَّةِ وَالْمَهْدِيِّينَ مَقَامَ النَّبِوَةِ وَهُمْ رَسُلٌ»!!

از آن طرف امام رضا (سلام الله علیه) می‌فرماید:

«مَنْ ادَّعَى لِلْأَنْبِيَاءِ رُبُوبِيَّةً وَ ادَّعَى لِلْأئِمَّةِ رُبُوبِيَّةً أَوْ نُبُوَّةً أَوْ لِعَیْرِ الْأئِمَّةِ إِمَامَةً فَتَنَحْنُ مِنْهُ بَرَاءً فِي الدُّنْيَا وَ

الْآخِرَةِ»

عیون أخبار الرضا (علیه السلام)، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، مصحح: لا جوردی، مهدی، ج ۲؛

ص ۲۰۱

امام صادق (سلام الله عليه) می‌فرماید:

(مَنْ قَالَ إِنَّا أَنْبِيَاءُ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ، وَ مَنْ شَكَّ فِي ذَلِكَ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ)

رجال الكشي - إختيار معرفة الرجال، نویسنده: کشی، محمد بن عمر، مصحح: طوسی، محمد بن حسن

/ مصطفوی، حسن، ص ۳۰۱

این‌ها را ما بیاوریم جلوی چشمش قرار بدهیم، تصویر کتاب را هم در موبایل‌مان یا در کامپیوتر ذخیره کنیم و برایش نشان بدهیم. این چند صفحه را که ۲۰ صفحه هم بیشتر نیست، این‌ها را پرینت بگیریم و در داخل کیف‌مان داشته باشیم. صفحه اول کتاب را همان‌طور که الان من نشان می‌دهم پرینت بگیریم، و آن صفحه مورد نظر را هم پرینت بگیریم.

یا حداقل این هفت-هشت کتاب را همیشه در کیف‌مان داشته باشیم، بگوییم آقا خودت بخوان ما چیزی نمی‌گوییم و دخالت نمی‌کنیم من می‌خواهم بدانم این قضیه چیست.

روش زیبای حضرت ابراهیم در مناظره با مخالفین

يك روش خوبی حضرت ابراهیم داشت که خیلی روش عالی است و در این‌طور قضایا خیلی قشنگ جواب می‌دهد، شما با این‌ها ابتدا اگر با جدل و برهان وارد بشوید این‌ها در برابر شما موضع می‌گیرند.

ما معمولا به بچه‌ها آموزش می‌دهیم اگر چنان‌چه بخواهید يك داعشی را شستشوی مغزی بدهید، از ابتدا نروید بگویید شما چنین و چنان هستید و نقدش کنید. بهتر است به ایشان بگویید من هم می‌خواهم بیایم داعشی بشوم، و خیلی دوست دارم؛ اما يك سری سوالاتی دارم، شما و یا بزرگان شما می‌توانید سوالات من را پاسخ بدهید؛ یعنی از این کانال وارد شوید.

همان‌طور که حضرت ابراهیم می‌گوید:

(هَذَا رَبِّي)

این خدای من است

(فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَا أُجِبُ الْإِفْلِينَ)

اما هنگامی که غروب کرد، گفت: «غروب‌کنندگان را دوست ندارم!»

(فَلَمَّا رَأَى الشَّمْسُ بَازِعَةً قَالَ هَذَا رَبِّي هَذَا أَكْبَرُ)

و هنگامی که خورشید را دید که (سینه افق را) می‌شکافت، گفت: «این خدای من است؟ این (که از

همه) بزرگتر است!»

(فَلَمَّا أَفَلَتْ قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ)

اما هنگامی که غروب کرد، گفت: «ای قوم من از شریک‌هایی که شما (برای خدا) می‌سازید، بیزارم!

سوره انعام (۶): آیه ۷۶ تا ۷۸

از این روش ما بیاییم استفاده کنیم، بگوییم من خیلی دوست داشتم، مطالبی هم نسبت به «احمد الحسن یمانی» شنیده‌ام؛ ولی چیزهای را شنیده‌ام و در کتابش خوانده‌ام، نتوانستم جواب بدهم اگر شما می‌توانید جواب بدهید، من هم دوست دارم به جمع شما بپیوندم. از آن طرف بگوییم ولی ما بچه مسلمان هستیم، با قرآن و روایات انس داریم، این مطالب را ما نمی‌توانیم نادیده بگیریم.

از این کانال اگر ما وارد شویم تأثیرش بیشتر است. از نظر رانشناختی این روش باعث می‌شود آن شخص هم به فکر فرو رود و بگوید عجب! چطور این فکر و سوال به ذهن ایشان آمد چطور برای من نیامده است؟

یا با خودش می‌گوید وقتی این فکر و سوال برای ایشان آمده من باید برایش جوابی داشته باشم، کسی که در مورد حضرت یونس این طوری می‌گوید و یا درباره حضرت امیر می‌گوید اگر ظلمت در وجودش نبود به جای پیغمبر می‌نشست؛ یعنی اصلاً کل سیستم الهی بهم می‌ریزد.

همان طوری که سنی‌ها می‌گویند پیغمبر فرمود:

«لو لم أبعث فيكم لبعث عمر بن الخطاب»

اگر من مبعوث نمی‌شدم، عمر ابن خطاب پیغمبر آخر الزمان بود!

فضائل الصحابة، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبد الله الشيباني الوفاة: ۲۴۱، دار النشر: مؤسسة

الرسالة - بيروت - ۱۴۰۳ - ۱۹۸۳، الطبعة: الأولى، تحقيق: د. وصي الله محمد عباس، ج ۱، ص ۴۲۸،

ح ۶۷۶

این آقا هم همین را می‌گوید، چیز دیگری ندارد.

ایجاد سؤال؛ راه ابتدایی ورود به مناظره با اهل سنت

پرسش:

در جلسه صبح مطرح شد وقتی که ما با يك نفر بحث می‌کنیم، از کجا شروع کنیم؟ در این زمینه توضیح بدهید.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

ما ان شاء الله جلسه فردا که در خدمت شما هستیم، روی این موضوع مفصل بحث خواهیم کرد. چند نفر از من خواسته‌اند که در این موضوع بحث شود. در این جلسه اگر دوستان سوالی به صورت متفرقه دارند در خدمت

شما هستیم. ولی در رابطه با این موضوع که ما باید از کجا شروع کنیم، این بحثی است که ان شاء الله در جلسه فردا خدمت تان خواهیم بود.

پرسش:

استاد! پیرو صحبتی که داشتیم، فردا وقت تان پر است

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

اگر برای فردا وقت پر است، من يك توضیح مختصری در این زمینه می‌دهم. کلا ما وقتی که می‌خواهیم با اهل سنت ورود پیدا کنیم، راه ورودش این است که شما سراغ حدیث غدیر و مانند آن نروید.

شما سراغ هر حدیثی بخواهید بروید که پای صحابه در میان باشد، این‌ها به هیچ وجه حاضر نیستند صحابه را زیر سوال ببرند، به هر عنوانی شما مطرح بکنید؛ چون همان‌طور که ما برای ائمه عصمت قائل هستیم، آن‌ها برای صحابه فوق عصمت قائل هستند و حاضر نیستند این فوق عصمت را از آن‌ها بگیرند.

بینید این «صحیح بخاری» است و نمی‌شود هیچ کارش کرد، ایشان و دیگر حضرات به صراحت برای صحابه مقام فوق عصمت قائل هستند. ما می‌گوییم ائمه (علیهم السلام) با توجه به عنایتی که خدای عالم به آن‌ها کرده این‌ها به هیچ وجه گناه نمی‌کنند؛ ولی آن‌ها می‌گویند نه، صحابه گناه می‌کنند؛ ولی این‌ها قبل از این که گناه بکنند، خدای عالم فرموده است هرگناهی که دل تان می‌خواهد بکنید.

«اعْمَلُوا مَا سَأَلْتُمْ فَقَدْ عَفَرْتُ لَكُمْ»

الجامع الصحیح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعیل أبو عبدالله البخاری الجعفی الوفاة: ۲۵۶ ، دار

النشر: دار ابن کثیر ، الیمامة - بیروت - ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷ ، الطبعة: الثالثة، تحقیق: د. مصطفی دیب البغا،

ج ۳، ص ۱۰۹۵، ح ۲۸۴۵

این یعنی فوق عصمت! با این شما می‌خواهید چه کار کنید؟ می‌خواهید بگویید در غدیر پیغمبر علی را معرفی کرد و صحابه زیر بار نرفتند!؟

از آن طرف «ابن حجر» می‌گوید:

«فإنهم لم يزالوا على أعمال أهل الجنة إلى أن فارقوا الدنيا»

صحابه تا آخر عمرشان اعمالشان، اعمال اهل جنت بوده است

فتح الباري شرح صحيح البخاري، اسم المؤلف: أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل العسقلاني الشافعي

الوفاة: ٨٥٢، دار النشر: دار المعرفة - بيروت، تحقيق: محب الدين الخطيب، ج ٨، ص ٦٣٥

یعنی اگر علی را رها کردند و ابوبکر را گرفتند: «هذا من اعمال الجنة إلى أن فارقوا الدنيا!» شما می‌توانید به آنها بگویید پیغمبر علی را انتخاب کرده شما زیر بار نرفتید!؟

«عینی» در «شرح صحیح بخاری» می‌گوید:

«فإنهم لم يزالوا على أعمال أهل الجنة إلى أن توفوا ومن وقع منهم في أمر ما أو مخالفة لجأ إلى توبة»

عمدة القاري شرح صحيح البخاري ، اسم المؤلف: بدر الدين محمود بن أحمد العيني الوفاة: ٨٥٥هـ، دار

النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، ج ١٤، ص ٢٥٦

اگر چیزی هم بوده خدا بلا فاصله توفیق توبه را به این‌ها داده است، همه این‌ها «كلهم من اهل الجنة قطعاً!» لذا ما نمی‌توانیم از این کانال وارد بشویم.

بهترین راه برای ورود چیست؟ بهترین راه این است که ما بیاییم در ذهن طرف ایجاد سوال کنیم، اگر ایجاد سوال کردیم و او را سراغ تحقیق فرستادیم موفق هستیم.

طرح مثلث مقدس برای هدایت مخالفین

ما يك مثلثی را در این جا ترسیم کردیم که يك ضلع مثلث حدیث «افتراق امت به هفتاد و سه فرقه» است. يك ضلع آن حدیث «من مات بلا امام» است و ضلع دیگر آن حدیث «خلفائی اثنا عشر» است.

ما می گوییم اصلا کار به شیعه نداریم. شیعه کافر، مشرک و جهنمی! شما اهل سنت که می گویید بر حق هستید آیا پیغمبر فرمود که امت من به هفتاد و سه فرقه تقسیم می شوند یا نه؟

این مطلب در «سنن ترمزی» است که یهود به هفتاد و يك فرقه، نصارا به هفتاد و دو فرقه و امت من به هفتاد و سه فرقه منشعب می شوند.

از «آلبانی» - که این ها از او «بُت» ساخته اند و می گویند «بخاری» دوران است - در «سلسله الاحادیث الصحیحة» نقل شده که پیغمبر فرمود: قسم به خدای که جان من در قبضه قدرت او است، امت من به هفتاد و سه فرقه منشعب می شود.

«فواحدة في الجنة وثلثين وسبعين في النار»

سلسله الأحادیث الصحیحة وشیء من فقهها وفوائدها؛ المؤلف: أبو عبد الرحمن محمد ناصر الدین، بن الحاج نوح بن نجاتي بن آدم، الأشقودري الألباني (المتوفى: ١٤٢٠هـ)؛ الناشر: مكتبة المعارف للنشر والتوزيع، الرياض، الطبعة: الأولى، (لمكتبة المعارف)، عام النشر: ١٤١٥ هـ - ١٩٩٥ م؛ ج ٣، ص ٤٨٠، ح

١٤٩٢

شما بگوئید: آقا! من کاری ندارم، الان من می خواهم بیایم سنی بشوم، می خواهم حنفی بشوم، از کجا بدانم حنفی فی الجنة است؛ ولی شافعی، مالکی، حنبلی، اشعری، معتزلی، ماتریدی و وهابی و... فی الجنة نیستند؟

همه شما می‌گویید ما اهل بهشتیم، پیغمبر می‌گوید از هفتاد و سه فرقه، يك فرقه بهشت می‌رود، این فرقه کدام فرقه است؟

سؤالی که اساتید وهابی دانشگاه مدینه را مبہوت کرد!

من سال هفتاد و چهار یا هفتاد و پنج يك جلسه‌ای در «مدینه» در «رابطة العالم الاسلامية» داشتم که بزرگترین مرکز فرهنگی وهابی‌ها است. من در آن جا رفتم و حدود دوازده نفر از اساتید «دانشگاه مدینه» در آن جا جمع بودند، دو سه ساعتی در آن جا باهم بحث کردیم.

من به این‌ها گفتم من کاری به شیعه و سنی ندارم، و در جمهوری اسلامی هم مسؤلیت سیاسی ندارم و آزاد هستم، این هم سابقه تدریس و مدارك علمی من است. شما با دلیل در این جا برای من ثابت کنید که «مذهب حنفی» حق است.

اگر ثابت کردید من همین جا جلوی شما «مذهب حنفی» را انتخاب می‌کنم؛ و اگر خواستید هم مصاحبه تلویزیونی و هم مصاحبه مطبوعاتی می‌کنم.

یا شما برای من ثابت کنید شافعی حق است، من همین جا جلوی شما می‌نویسم من «مذهب شیعه» را رها کردم و «مذهب شافعی» را انتخاب کردم. یا مذهب حنبلی، مالکی، و وهابی را ثابت کنید، من در جلوی شما رسماً مذهبم را تغییر می‌دهم.

قرآن می‌گوید:

فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ

پس بندگان مرا بشارت ده! همان کسانی که سخنان را می‌شنوند و از نیکوترین آنها پیروی می‌کنند.

سوره زمر (۳۹) آیات ۱۷ و ۱۸

این‌ها به صورت همدیگر نگاه کردند گفتند از ما ساخته نیست، ما يك استادی داریم، ایشان به دانشگاه رفته بعد از نماز مغرب و عشاء می‌آید شما بروید با او بحث کنید.

گفتم همه شما تدریس دارید و مدرک استاد دانشگاهی دارید، شما اگر نتوانید اثبات کنید که مذهب تان حق است، چه فایده ای دارید؟ این چه مذهبی است که شما دلیلی برای اثبات مذهب تان ندارید؟

ببینید این‌ها در میدان آزاد شعار می‌دهند؛ ولی در عمل وقتی که ما این‌ها را در بن بست قرار بدهیم، از بن بست نمی‌توانند در بروند، نه راه پیش دارند و نه راه پس! لذا ما به این‌ها می‌گوییم این «واحدة فی الجنة» کدام فرقه است؟

سوال دوم که از این‌ها می‌پرسیم این است که پیغمبر فرمود: يك فرقه از امت من اهل نجات است، هفتاد و دو فرقه اهل آتش است، آیا پیغمبر نشانه‌ها و علامات اهل نجات را معین کرده یا نکرده است؟

اگر معین نکرده است؛ پس (نستجیر بالله) پیغمبر به امت خود خیانت کرده است، زیرا گفته هفتاد و دو فرقه به جهنم می‌رود و يك فرقه به بهشت می‌رود ولی نگفته این يك فرقه‌ای که بهشت می‌رود چه ویژگی‌ها و چه خصوصیتی دارد، تا من بروم آن خصوصیات را بگیرم و عمل کنم.

چون پیغمبر اکرم آمده ما را به راه راستی هدایت کند که منتها الیه آن بهشت است، (اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ) اعمال و غیره تمام این‌ها مقدمه است که رسول اکرم ما را به بهشت برساند.

پیغمبر می‌گوید من ۲۳ سال زحمت کشیدم، بعد از من مردم دچار اختلاف می‌شوند و نگفتم صفات اهل جهنم کدام است و صفات اهل بهشت کدام است؟ این خیلی واضح و روشن است.

این نوع سؤال کردن، می‌آید تار و پود فکری طرف را بهم می‌ریزد و در ذهن طرف طوفان به پا می‌کند، می‌گوییم آقا جان! سوالی را که پرسیدم الان هم به من جواب نده، ان شاء الله بعدا بیا جواب بده.

این را هم می‌دانیم که این‌ها معمولاً چیزهای اضافه کرده‌اند، جلسه بعد ما می‌دانیم که چه مطالبی می‌خواهد بگوید. می‌خواهد بگوید پیغمبر فرمود:

«كلهم في النار إلا ملةً واحدةً قالوا وَمَنْ هِيَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ ما أنا عليه وَأَصْحَابِي»

الجامع الصحيح سنن الترمذي، اسم المؤلف: محمد بن عيسى أبو عيسى الترمذي السلمی الوفاة: ۲۷۹،

دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، تحقيق: أحمد محمد شاكر وآخرون، ج ۵، ص ۲۶، ح ۲۶۴۱

اولا در خیلی از روایت دارد که فرمود:

«ما أنا عليه وَأَصْحَابِي اليوم»

الفوائد المجموعة في الأحاديث الموضوعة، اسم المؤلف: محمد بن علي بن محمد الشوكاني الوفاة: ۱۲۵۰

هـ، دار النشر: المكتب الإسلامي - بيروت - ۱۴۰۷هـ، الطبعة: الثالثة، تحقيق: عبد الرحمن يحيى

المعلمي، ج ۱، ص ۵۰۲، ح ۸۷

اگر آمد گفت پیغمبر فرمود: من و اصحابم، هرکس به طریق من و اصحاب من باشد، ما در این جا يك سوال از این‌ها می‌پرسیم.

شما شماره حدیث را یادداشت کنید. ما دویست- سیصد روایت داریم که باید تلاش کنیم این‌ها را مثل حمد و سوره حفظ کنیم، این که من به کتاب یا به کامپیوتر یا به موبایل نگاه کنم فایده‌ای ندارد. این دویست - سیصد روایت به اندازه نصف يك جزء قرآن است، نه يك جزء كامل قرآن! شما تصور کنید می‌خواهید نصف جزء قرآن را حفظ کنید.

حدیثی سرنوشت ساز در «صحيح بخاری»!

یکی از آن احادیث سرنوشت ساز در کتاب «صحيح بخاری» جلد ۷ صفحه ۲۰۷ است. ما وقتی آدرس را با جلد و صفحه می‌گوییم معمولا از مکتبه اهل بیت چاپ دار الفكر للطباعة والنشر می‌گوییم. شماره حدیث را از چاپ «عربستان سعودی» می‌گوییم حدیث ۶۵۸۷.

پیغمبر اکرم در آن جا می‌فرماید: اصحاب من در قیامت در کنار حوض می‌آیند:

« بَيْنَا أَنَا قَائِمٌ فِي زُمْرَةٍ »

حداقل هفتاد هزار نفر را «زُمْرَةٌ» می‌گویند.

«وَلَيَرِدَنَّ عَلَيَّ أَقْوَامٌ أَعْرِفُهُمْ وَ يَعْرِفُونِي ثُمَّ يُحَالُ بَيْنِي وَ بَيْنَهُمْ»

تمام این روایت، بحث «حدیث حوض» است.

«يَرِدُ عَلَيَّ الْحَوْضُ رِجَالٌ مِنْ أَصْحَابِي»

یا:

«يَرِدَنَّ عَلَيَّ نَاسٌ مِنْ أَصْحَابِي الْحَوْضِ»

یعنی همه روایت مربوط به «حدیث حوض» است، این حوض سوراخی دارد، هرکس در آن جا رفته دیگر نتوانسته بیرون بیاید.

«مالك» رهبر مالکی‌ها می‌گوید ای کاش علمای ما حدیث حوض را در کتاب‌هایمان نمی‌آوردند. این حدیث ما را بی‌چاره و بدبخت‌مان کرده است!!

این‌ها طرف حوض که می‌آیند، ملائکه مانع می‌شوند:

«حتی إذا عَرَفْتُهُمْ خَرَجَ رَجُلٌ مِنْ بَيْنِي وَبَيْنِهِمْ»

افرادی و کسی از مأمورین الهی می‌آید این‌ها را بر می‌گردانند.

«فقلت أَيْنَ؟»

این‌ها را کجا می‌برید؟

«قال إلى النار والله»

بحث، بحث «رِجَالٌ مِنْ أَصْحَابِي... نَاسٌ مِنْ أَصْحَابِي الْحَوْضِ» تمام روایت، بحث اصحاب است!

«قلت وما سَأَلْتُهُمْ»

این‌ها چه کار کرده‌اند؟

«قال إِيَّاهُمْ ازْتَدُّوا بَعْدَكَ عَلَى أَذْبَارِهِمُ الْقَهْقَرِي»

این زمهره اول، که عرض کردیم هفتاد هزار نفر را «زمهره» می‌گویند. سپس می‌گوید:

«ثُمَّ إِذَا زُمْرَةٌ حَتَّى إِذَا عَرَفْتُهُمْ خَرَجَ رَجُلٌ مِنْ بَيْنِي وَبَيْنِهِمْ فَقَالَ هَلُمَّ قَلت أَيْنَ»

يك دسته دیگر می‌آیند، باز مانع می‌شوند، پیغمبر می‌گوید کجا می‌برید؟ می‌گویند:

«قال إلى النار والله»

سه تا «زمهره» را حضرت در این‌جا مطرح می‌کند؛ یعنی سه تا هفتاد هزار، که دویست و ده هزار می‌شود، کل

صحابه هم حدود دویست و ده تا دویست بیست هزار بوده است. «زمهره» نشانگر تعداد زیاد است.

بعد می گوید:

«فلا أراه يخلصُ منهم إلا مثلُ هَمَلِ النَّعَمِ»

از اصحاب من جزء تعداد اندکی از جهنم خلاص نمی شوند!

صحيح البخارى، المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبد الله البخاري الجعفي؛ چاپ دار الفكر للطباعة

والنشر، ج ٧، ص ٢٠٧، ح ٦٥٨٧

«هَمَلِ النَّعَمِ»؛ (نَعَم) گله‌ای شتر را می گویند، (هَمَل) از میان این گله بعضی از شترها و بچه شترها بازی گوش هستند و از گله جدا می شوند و دنبال چریدن می روند، به قدری آن جا مشغول هستند که گله می رود و این شترها بدون صاحب در بیابان می مانند، مثلاً از يك گله‌ای هزار تایی ١٠- ١٥ تا جدا می شوند، عرب به این «هَمَلِ النَّعَمِ» یعنی ته مانده‌ای گله‌ای شتر می گوید.

پیغمبر می فرماید از اصحاب من جز تعداد اندک از جهنم خلاص نمی شوند، شما می فرمایید «فواحدة في الجنة ما أنا عليه وَأَصْحَابِي»، ولی این جا که می گوید همه اصحاب به جهنم می روند! اصحابی که خودشان را نمی توانند نجات بدهند، می خواهند ما را از جهنم نجات بدهند؟! این روایت خیلی روایت عجیبی است، خیلی جاها به دردتان می خورد؛ یعنی باید این را مثل حمد و سوره از اول تا آخر حفظ کنید.

البته سه - چهار تا روایت قبل و بعدش را هم در نظر بگیرید؛ چون این ها با شیطنت این روایت ها را می آورند.

«يا رَبِّ أَصْحَابِي فَيُقَالُ إِنَّكَ لَا تَدْرِي مَا أَحَدْتُوا بَعْدَكَ»

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي الوفاة: ٢٥٦ ، دار

النشر: دار ابن كثير ، اليمامة - بيروت - ١٤٠٧ - ١٩٨٧ ، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا،

ج ٥، ص ٢٤٠٤، ح ٦٢٠٥

یعنی این جا ده تا دوازده روایت است که همه مربوط به حوض است؛ لذا اولین بحثی که ما روی آن کار بکنیم این است که به اینها بگوییم آقا این بحثی که شما دارید مطرح می کنید، ما قبول داریم، شما بفرمایید اول بین خودتان اینها را مشخص کنید، دعوی خودتان را حل بکنید و ویژگی های فرقه ای ناجیه را برای ما بگویید، بعد ما در خدمت شما هستیم.

دوستان باید توجه بکنند که ما باید ۵۰ - ۶۰ تا پاورپوینت آماده داشته باشیم وقتی که سوال می شود، ما سریع نشان بدهیم و بگوییم بفرمایید.

اما درباره حدیث افتراق امت، فرمود:

«ستفترق أمتي على بضع وسبعين فرقة أعظمها فرقة»

اکثر فرقه چه کسانی هستند؟ می فرماید:

«فرقة قوم يقيسون الأمور برأيهم»

اهل قیاس هستند

شیعه که اهل قیاس نیستند؛ اهل سنت هستند که اهل قیاس هستند.

«فيحرمون الحلال ويحللون الحرام»

بعد می گوید:

«هذا حديث صحيح على شرط الشيخين ولم يخرجاه»

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم النيسابوري الوفاة: ٤٠٥ هـ،
دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - ١٤١١هـ - ١٩٩٠م ، الطبعة: الأولى، تحقيق: مصطفى عبد القادر
عطا، ج ٤، ص ٤٧٧، ح ٨٣٢٥

«آیت الله العظمی صافی» می گوید:

«ولا يخفى أن معظم اهل السنة والجماعة هم اهل الرأي و القياس»

لمحات في الكتاب والحديث والمذهب؛ المؤلف: آية الله الصافي الكليبايگاني، الناشر: قسم الدراسات
الاسلامية - مؤسسة البعثة؛ ص ٤٥

در «سنن ابن ماجه» دارد:

«وَالَّذِي نَفْسٌ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ لَتَفْتَرِقَنَّ أُمَّتِي عَلَى ثَلَاثٍ وَسَبْعِينَ فِرْقَةً وَاحِدَةً فِي الْجَنَّةِ وَثِنْتَانِ وَسَبْعُونَ فِي
النَّارِ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَنْ هُمْ قَالَ الْجَمَاعَةُ»

سنن ابن ماجه، اسم المؤلف: محمد بن يزيد أبو عبدالله القزويني الوفاة: ٢٧٥، دار النشر: دار الفكر -
بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج ٢، ص ١٣٢٢، ح ٣٩٩٢

در روایت « مَنْ هُمْ » دارد، « مَنْ هِيَ » نمی گوید. اگر مراد واحده بود باید می گفت « مَنْ هِيَ »! این يك فرقه ای
که اهل بهشت هستند چه کسانی هستند؟ « مَنْ هُمْ » می گوید این جمعیت « ثِنْتَانِ وَسَبْعُونَ فِي النَّارِ » چه
کسانی هستند؟ می گوید: « الْجَمَاعَةُ »!

مؤید آن هم قرآن است شاید ما بیش از ٣٠ تا آیه داریم، که می فرماید:

(أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ؛ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ؛ أَكْثَرُهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ؛ أَكْثَرُهُمْ لَا يَشْكُرُونَ...)

اکثریت در قرآن کلام مذموم است، ما هیچ جایی نداریم که اکثریت ملاک حقانیت باشد، اگر پیغمبر بیاید بگوید «الجماعة» اهل نجات هستند، این بر خلاف قرآن است؛ چون در چندین جای قرآن اکثریت مورد مذمت قرار گرفته است.

(أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ؛ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ؛ أَكْثَرُهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ؛ أَكْثَرُهُمْ لَا يَشْكُرُونَ...)

البته ما باید تک تک روی اینها کار بکنیم، نشانه‌های فرقه ناجیه در کلام پیغمبر چند تا دلیل دارد، یکی هم که این آقایان می‌گویند جماعت فرقه ناجیه هستند، ما باید در این جا تکلیفش را روشن کنیم.
پس یکی از بحث‌های که ما داریم، افتراق امت به هفتاد سه فرقه است.

یک سؤال ساده ی بی جواب از علما و بزرگان اهل سنت!

حدیث دوم از مثلث مقدسی که عرض کردیم، حدیث:

«مَنْ مَاتَ بِلَا إِمَامٍ مَاتَ مِثْلَهُ جَاهِلِيَّةً»

است. این حدیث در «صحاح» آقایان است؛ در «صحیح مسلم» جلد ۳، صفحه ۱۸۴۹، حدیث ۱۸۵۱ از قول «عبدالله ابن عمر» نقل شده است که پیامبر فرمود:

«وَمَنْ مَاتَ وَلَيْسَ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةُ مَاتَ مِثْلَهُ جَاهِلِيَّةً»

صحیح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري الوفاة: ۲۶۱، دار النشر:

دار إحياء التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج ۳، ص ۱۸۴۹، ح ۱۸۵۱

«احمد ابن حنبل» در کتاب «مسند» خودش دارد:

«مَنْ مَاتَ بِغَيْرِ إِمَامٍ مَاتَ مِثْلَهُ جَاهِلِيَّةً»

مسند الإمام أحمد بن حنبل، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني الوفاة: ۲۴۱، دار النشر:

مؤسسة قرطبة - مصر، ج ۴، ص ۹۶

حدیث هم صحیح است.

ما از این‌ها يك سوال می‌کنیم اصلا کاری به شیعه هم نداریم، الان پدر بزرگ و مادر بزرگ شما از دنیا رفته، امام زمانش چه کسی بود؟ آیا مرگش مرگ جاهلی بود، مستقیم به جهنم رفت؟ فردا که شما می‌خواهید بمیرید، آیا شما هم مستقیم به جهنم تشریف می‌برید؟ یا این را قبول ندارید؟

اگر قبول ندارید، امام زمان شما چه کسی است؟ این‌ها يك بحث‌های مختلف و مفصلی دارند که می‌گویند امام زمان هر کس عمدتاً حاکم آن کشور است.

مثلاً مسلمان‌های که در «آمریکا» هستند، حضرت آیت الله «ترامپ» امام زمانشان است! یا در «عربستان سعودی» حضرت حجة الاسلام والمسلمین آقای «سلمان» یا «محمد بن سلمان» امام زمانشان است! و حال آن‌که خود «مسلم» دارد:

«إِذَا بُوِيعَ لِخَلِيفَتَيْنِ فَأَقْتُلُوا الْآخَرَ مِنْهُمَا»

اگر در يك عصر با دو تا خلیفه و امام بیعت کردند، امام دوم واجب القتل است.

صحیح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري الوفاة: ۲۶۱، دار النشر:

دار إحياء التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج ۳، ص ۱۴۸۰، ح ۱۸۵۳، باب اذا

بويع لخليفتين.

آقایان از جمله «نووی» در «شرح صحیح مسلم» می‌گویند:

«اتفق العلماء على أنه لا يجوز أن يعقد لخليفتين في عصر واحد»

در يك عصر با دو تا خليفه نمی شود بيعت کرد، يك امام بايد باشد.

«سواء اتسعت دار الإسلام أم لا»

کشور اسلامی گسترده باشد و یا کم باشد

صحيح مسلم بشرح النووي، اسم المؤلف: أبو زكريا يحيى بن شرف بن مري النووي الوفاة: ٦٧٦ ، دار

النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت - ١٣٩٢، الطبعة : الطبعة الثانية، ج ١٢، ص ٢٣٢

همه علمای اهل سنت این نظر را دارند. مثلا «ابوطاهر بغدادی» دارد:

«لا تصدق الامامة إلا لواحد في جميع عرض الاسلام»

یا «عینی» می گوید:

«إذا بويع لخليفة بعد خليفة فبيعة الثاني باطلة»

عمدة القاري شرح صحيح البخاري، اسم المؤلف: بدر الدين محمود بن أحمد العيني الوفاة: ٨٥٥هـ، دار

النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، ج ١٦، ص ٤٣

این قضیه کاملاً واضح و روشن است که ما می توانیم با طرح حدیث «من مات بلا إمامٍ مات ميتةً جاهليّةً»

روحیهی پژوهش و تحقیق و تردید را در طرف ایجاد کنیم، کاری هم نداریم که علی خلیفه است و یا ابوبکر

خلیفه است.

ما می‌گوییم هرکس بدون امام از دنیا برود، مرگش مرگ جاهلی است، با این امام بیعت هم باید بکند، نه این‌که مثلاً فقط بگوید امام من ابوبکر است. یا امام من امیرالمؤمنین است. «مَنْ مَاتَ وَلَيْسَ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةُ إِمَامٍ مَاتَ مِيتَةَ جَاهِلِيَّةٍ»

حدیثی که بزرگان اهل سنت را به زحمت فراوان انداخته است!

روایت سوم: حدیث خلفای اثنی عشر است، این روایت پدر این‌ها را در آورده است، از آن احادیثی است که غوغا کرده است؛ یعنی شما بروید کتاب‌های اهل سنت را نگاه کنید متوجه می‌شوید. این روایت در «صحیح مسلم» جلد ۳، صفحه ۱۴۵۲، حدیث ۱۸۲۱ آمده است:

«ان هذا الأمر لا ينقضي حتى يمضي فيهم اثنا عشر خليفة»

صحیح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري الوفاة: ۲۶۱، دار النشر:

دار إحياء التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج ۳، ص ۱۴۵۲، ح ۱۸۲۱

از «ابن مسعود» سوال می‌کنند:

«هل حدثكم نبيكم كم يكون بعده من الخلفاء؟ فقال: نعم وما سألني عنها أحد قبلك»

فرمود:

«سيكونون عدة نقباء موسى اثني عشر نقيبا»

المطالب العالية بزوائد المسانيد الثمانية، اسم المؤلف: أحمد بن علي بن حجر العسقلاني الوفاة: ۸۵۲،

دار النشر: دار العاصمة / دار الغيث - السعودية - ۱۴۱۹هـ، الطبعة: الأولى، تحقيق: د. سعد بن ناصر بن

عبد العزيز الشثري، ج ۹، ص ۵۷۷

این‌ها آمدند روی این که این دوازده نفر چه کسانی هستند بحث کردند. «ابن حجر عسقلانی» یکی از استوانه‌های اهل سنت در کتاب «فتح الباری» جلد ۱۳ صفحه ۱۸۱ تا ۱۸۳ خودش را کشته که ببیند این دوازده نفر چه کسانی هستند!

می‌گوید ۴ تا از خلفا که خلیفه پیغمبر هستند «ابوبکر، عمر، عثمان و علی» با امام حسن هم که پنج ماه بیعت کرد ایشان هم خلیفه پنجم است، خلیفه ششم «معاویه»! بعد روی «یزید» گیر می‌کند، «عبدالمک مروان»، «ولید» این شخص کسی است که می‌آید نماز صبح خودش را چهار رکعت می‌خواند، و می‌گوید می‌خواهید بیشتر هم بخوانم! آیا این‌ها می‌توانند خلیفه پیغمبر باشند؟

«ابن حجر عسقلانی» گیر می‌کند می‌گوید «عمر ابن عبدالعزیز» هم آدم خوبی بود، ایشان را هم به عنوان خلیفه بیاوریم، خلاصه پایین و بالا می‌رود، خلفای بنی امیه ۱۷-۱۸ نفر بودند، خلفای بنی العباس ۳۰ و اندی بودند.

در آخر می‌گوید الاغ ما از کرگی دم نداشت، اصلا ما معنای این روایت را نفهمیدیم!!

از «ابن جوزی» نقل می‌کند می‌گوید:

«هذا الحديث قد أطلت البحث عنه، وطلبته مظانه، وسألت عنه فما رأيت أحدا وقع على المقصود به»

...احدی از علمای اهل سنت را ندیدم که مقصود پیغمبر را فهمیده باشند

کشف المشکل من حدیث الصحیحین؛ ابن جوزی، تحقیق: الدكتور علی حسین البواب، چاپ: الأولى،

سال چاپ: ۱۴۱۸ - ۱۹۹۷ م، ناشر: دار الوطن للنشر - الرياض، ج ۱، ص ۴۴۹

پس چه شد؟ پیغمبر اکرم می‌فرماید خلفای من دوازده نفر هستند، این در هفده - هجده جای «صحیح بخاری و مسلم» هم آمده نه يك جا! یعنی در حقیقت يك روایت متفق علیه در حد تواتر است اما می‌گویند ما نفهمیدیم!!

«ابن بطلال» می‌گوید من از هرکس رفته سوال کردم، می‌گوید من معنای این حدیث را نفهمیدم! این از معجزات اهل بیت است که این روایت‌ها در کتب اهل سنت در صحاح‌شان دست نخورده تا الان مانده است.

این از معجزات اهل بیت است که در مذاهب اسلامی این روایت غیر از مذهب شیعه امامیه، نه شیعه زیدی و نه شیعه اسماعیلی و نه اهل سنت، غیر از مذهب شیعه امامیه با هیچ مذهبی تطبیق نمی‌کند.

این سه تا روایت به عنوان فنداسیون مباحث اختلافی است؛ یعنی پایه اولیه است، وقتی يك معماری می‌خواهد ساختمانی را بنا کند، اول می‌گوید ساختمان پنج طبقه، ده طبقه یا بیست طبقه و... باشد. بعد بر مبنای آن می‌آید پایه‌ها را بتون ریزی می‌کند تا این ساختمانی که می‌خواهد پنج، ده یا بیست و... بنا شود بتواند روی آن استوار بشود.

در حقیقت این فنداسیون بحث اختلافی است، ما هیچ کاری نداریم و بحث شیعه و سنی نمی‌کنیم فقط می‌گوییم می‌خواهیم این روایت روشن بشود.

اصلا من می‌خواهم بیایم سنی بشوم، این روایت را من چه کار کنم؟ «حنفی» بشوم، آن یکی‌ها هستند، «حنبلی» بشوم، «مالکی» بشوم! در هر صورت این سه تا روایت سه تا سوال برای من ایجاد کرده است، این سه تا سوال را شما برای من جواب بدهید. این در حقیقت اصل بحث است.

بعد معمار می‌آید روی پایه‌ها، ستون‌ها را بالا می‌برد، ساختمان هنوز معلوم نیست، این که می‌خواهد چه بسازد و چند طبقه می‌خواهد باشد. این که ساختمان اداری، آموزشی، مسکونی و یا تجاری است هنوز معلوم نیست و کاری نداریم.

شما فقط ستون‌های بزرگ را می‌بیند که بالا رفته است، ستون‌های که ما می‌خواهیم بزنیم در آن جا هم ما کاری به امامت امیرالمؤمنین و خلافت ابوبکر نداریم، آن جا ما می‌آییم سه تا بحث را مطرح می‌کنیم.

برخورد دوگانه بزرگان اهل سنت با حدیث ثقلین در تعداد نقل روایت از صحابه

یکی از آن بحث‌ها «حدیث ثقلین» است، کاری به خلافت نداریم، پیغمبر اکرم می‌فرماید:

«إني تارك فيكم الثقلين كتاب الله وأهل بيته وإنهما لن يتفرقا حتى يردا علي الحوض»

اگر به این‌ها تمسک کنید هرگز گمراه نخواهید شد

المستدرك على الصحيحين، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم النيسابوري، دار النشر: دار

الكتب العلمية - بيروت - ١٤١١هـ - ١٩٩٠م، الطبعة: الأولى، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا؛ ج ٣، ص

١٦٠، ح ٤٧١

ما به این‌ها می‌گوییم کاری به امامت اصلاً نداریم، آیا این فرمایش پیغمبر درست است یا درست نیست؟ ببینیم

آیا در میان شما آقایان اهل سنت به این حدیث چقدر عمل کردند؟

«صحيح بخارى» را باز می‌کنیم تا ببینیم در این کتاب نسبت به اهل بیت چقدر سرمایه گذاری شده است؟ در

کتاب «صحيح بخارى» عدد روایاتی که آورده‌اند ببینیم از اهل بیت چه تعداد روایت آمده و از غیر اهل بیت چقدر

روایت آمده است؟ به این‌ها يك مراجعه‌ای داشته باشیم.

در «صحيح بخارى» کلاً از اول تا آخر از حضرت امیر (سلام الله عليه) ٢٩ روایت آمده. بعد می‌خواهیم ببینیم از

«ابوهريره» و دیگران چقدر روایت آورده است، من می‌خواهم این برای دوستان مستند باشد.

«ابن حجر» در «شرح صحيح بخارى» می‌گوید از علی ابن ابی طالب:

«تسعة وعشرون حديثاً»

٢٩ روایت!

از «ابوهریره» چقدر روایت آورده است؟ در خود «صحیح بخاری» چهار صد و چهل شش روایت از «ابوهریره» آورده است.

«أربعمائة وستة وأربعون حديثاً»

هدی الساری مقدمة فتح الباری شرح صحیح البخاری، اسم المؤلف: أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل

العسقلانی الشافعی الوفاة: ٨٥٢ ، دار النشر : دار المعرفة - بیروت - ١٣٧٩ تحقیق: محمد فؤاد عبد

الباقی , محب الدین الخطیب، ج ١، ص ٤٧٥، و ٤٧٦

«ابوهریره» چه زمانی مسلمان شد؟ ایشان سال ششم هجرت بعد از جنگ خیبر مسلمان شد. چقدر خدمت پیغمبر بود؟ هیجده ماه خدمت پیغمبر بود! «ابوهریره» در هیجده ماه ٤٤٦ روایت! علی ابن ابیطالب یک عمر خدمت پیغمبر بود ٢٩ روایت!! آیا این انصاف است؟

بعد جالب این است که در جمیع مصادر روایی شان، از امیرالمؤمنین پانصد و سی و نه روایت بیشتر ندارند. و جالبتر این است که آقای «ابن حزم» میگوید فقط پنجاه روایت از علی صحیح است و مابقی صحیح نیست!! از «ابوهریره» چقدر روایت آورده اند؟ کل روایت اینها از «ابوهریره» پنج هزار و سیصد و هفتاد چهار روایت است.

«ابو ربه» از اساتید «دانشگاه الازهر» است ایشان کتابی به نام «شیخ المضره ابوهریره» دارد. ایشان در کتابش میگوید «ابوهریره» هیجده ماه خدمت پیغمبر بود، ما پنج هزار و اندی از او روایت داریم. علی ابن ابیطالب از اول طفولیت در آغوش پیغمبر بزرگ شده و در تمام سفرها و حضرها غیر از تبوک همراه با پیغمبر بوده است.

«و لو كان على رضى الله عنه قد حفظ كل يوم عن النبي حديثاً واحداً لبلغ ما كان يجب أن يرويه، أكثر من ۱۲ الف حديث»

اگر علی هر روز يك روایت از پیغمبر شنیده بود ما باید دوازده هزار روایت از علی می‌داشتیم.

شیخ المضیرة ابوهریره، ص ۱۲۸؛ دارالمعارف مصر، الطبعة الثالثة

ولی ما پانصد و سی و هفت روایت بیشتر از ایشان نداریم، آن‌هم پنجاه روایت فقط صحیح است!!

پیغمبر فرمود: «**إن تمسکتُم بهما لن تزلوا بعدی**!»! حالا پایین‌تر می‌آییم، عایشه را با حضرت زهرا (سلام الله علیها) مقایسه می‌کنیم.

در کتاب «صحیح بخاری» ۲۴۲ روایت از عایشه نقل شده، از حضرت زهرا چقدر؟ فقط يك روایت نقل شده است!! در جمیع احادیث اهل سنت از عایشه دو هزار و دویست و ده روایت، از حضرت زهرا فقط هیجده روایت! اصلاً ما کاری به امامت نداریم، پیغمبر فرمود من کتاب الله، عترت و اهل بیت را نزد شما می‌گذارم، شما از این عترت و اهل بیت چند روایت در کتاب‌هایتان آوردید؟

حضرت زهرا در آغوش پیامبر بزرگ شده، وقتی هم که در «مدینه» بود پیغمبر هر روز صبحانه را نزد حضرت زهرا می‌خورد، از آن طرف پیغمبر از هر نه شب يك شب خانه عایشه بود!

سال دوم یا سوم هجرت پیغمبر با عایشه ازدواج کرده است، هشت سال هم با پیغمبر بیشتر نبوده است، شما ببینید در حقیقت در این هشت سال يك سال و کمتر از يك سال، شاید ده ماه با پیغمبر بوده است. وقتی که هشت سال را يك نهم بکنیم، همین حدود در می‌آید.

عایشه با يك سال بودن کنار پیغمبر دو هزار و دویست و ده روایت دارد، صدیقه طاهره از اول طفولیت به قول شما تا ۲۷ سالگی در کنار پیغمبر بوده است. از ایشان فقط هیجده روایت نقل کرده‌اید.

شما با این حدیث ثقلین چه کار کردید و چه جوابی برای ما دارید؟ از آن طرف امام حسن و امام حسین هم که صحابی پیغمبر بودند، با این که امام بودند ما کاری با آن نداریم، در «صحیح بخاری» و «صحیح مسلم» هیچ روایتی شما از آن دو بزرگوار ندارید!!

يك مرتبه يك آقايي گفت امام حسن و امام حسين كوچك بودند، اين‌ها در حدی نبودند که از پیغمبر روایت بشنوند، گفتم «عبدالله بن زبیر» با امام حسن چقدر فاصله سنی دارد؟ گفت پنج ماه. گفتم: چطور از «عبدالله بن زبیر» در «صحیح بخاری» روایت آورده ولی از امام حسن نیاورده است؟

از حضرت «خدیجه» در کل کتب‌شان يك روایت بیشتر نیاورده‌اند، در حالی که «حضرت خدیجه» بیست و پنج سال با پیغمبر بوده است، حداقل ده سال بعد از بعثت با پیغمبر بوده است. اگر هر هفته يك روایت از پیغمبر داشته باشد، حداقل باید چهار صد روایت از «حضرت خدیجه» داشته باشید. در حالی که شما فقط يك روایت دارید.

لذا یکی از این بحث‌های مطروحه در برابر اهل سنت، همین «حدیث ثقلین» است. بحث بعدی روی بحث «حدیث نجوم» می‌رویم، پیغمبر فرمود:

« النجوم أمان لأهل الأرض من الغرق وأهل بيتي أمان لأمتي من الاختلاف فإذا خالفتها قبيلة من العرب

اختلفوا فصاروا حزب إبليس»

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاکم النیسابوری الوفاة: ٤٠٥

هـ، دار النشر: دار الکتب العلمیة - بیروت - ١٤١١هـ - ١٩٩٠م ، الطبعة: الأولى ، تحقیق: مصطفی عبد

القادر عطا ج ٣، ص ١٦٢، ح ٤٧١٥

اهل بیت مایه وحدت میان امت من است، نه اصحاب! الان برخوردار شما با اهل بیت چطوری است؟ واقعا شما در خطبه‌های نماز جمعه تان و در کتاب‌هایتان و در مباحث سیاسی‌تان چقدر مطالب تان مستند به اهل بیت است؟

حدیث بعدی، «حدیث سفینه» است، پیغمبر اکرم فرمود:

«إن مثل أهل بيتي فيكم مثل سفينة نوح من ركبها نجا ومن تخلف عنها هلك»

اهل بیت من مثل کشتی حضرت نوح است، هرکس سوار شد نجات یافت...

فضائل الصحابة، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبد الله الشيباني الوفاة: ۲۴۱ ، دار النشر: مؤسسة

الرسالة - بيروت - ۱۴۰۳ - ۱۹۸۳، الطبعة: الأولى، تحقيق: د. وصي الله محمد عباس، ج ۲، ص ۷۸۵، ح

۱۴۰۲

در آن جا فرمود: امت من به هفتاد و سه فرقه تقسیم می‌شوند، يك فرقه ناجیه است و در این جا می‌فرماید هرکس سوار کشتی اهل بیت بشود اهل نجات است. این‌ها را وقتی که کنار هم می‌گذاریم چیزی قشنگی در می‌آید. پس خود پیغمبر خودش آمده اهل نجات را برای ما معین کرده است.

خدا ان شاء الله بر توفیقات شما بیفزاید، خدا به حق حضرت زهرا از ما و شما بپذیرد و ما را از یاران خاص حضرت ولی عصر ارواحنا له الفداء قرار بدهد با ذکر صلوات بر محمد و آل محمد.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته